

اتفاق

امیدواری برای بهبود سرطان

● در طول ۲۴ ساعت گذشته خبری از امکان درمان سرطان منتشر شده که هرچند در مراحل ابتدای تحقیق و پژوهش است اما موجی از خوشحالی را به همراه داشته. نشریه نیچر ایمونولوژی تحقیقی را منتشر کرده است که در آن پژوهشگران اعلام کرده‌اند بخشی از سیستم ایمنی بدن که به‌تازگی کشف شده، می‌تواند طوری تغییر یابد که انواع سرطان‌ها را معالجه کند. به گزارش بی‌بی‌سی، این گروه از پژوهشگران دانشگاه کاردیف در ولز، شیوه‌ای برای ازبین‌بردن سرطان پروستات، سینه، ریه و سایر سرطان‌ها در آزمایشگاه یافته‌اند. این یافته‌ها که هنوز روی بیماران آزمایش نشده است، دقیقاً چیست؟ دانشمندان به دنبال راه‌های «غیرمعمولی» بوده‌اند که سیستم ایمنی بدن از طریق آن به طور طبیعی به تومورها حمله می‌کند. آنچه یافته‌اند، سلولی به نام «تی» (لنفوسیت تی) در خون است؛ یک سلول سیستم ایمنی که می‌تواند خطر را در بدن شناسایی و برای حذف آن اقدام کند. فرق این سلول با بقیه سلول‌ها این است که سلول تی می‌تواند به طیف گسترده‌ای از سرطان‌ها حمله کند. پروفسور «اندرو سول» به بی‌بی‌سی می‌گوید: «احتمال دارم بتوانیم همه بیماران (سرطانی) را (با این شیوه) معالجه کنیم». به گفته او، «قبلاً هیچ‌کس باور نداشت این موضوع امکان‌پذیر باشد». سلول‌های تی (لنفوسیت تی)، «گیرنده‌هایی» بر سطح خود دارد که می‌تواند ترکیب شیمیایی را تشخیص دهد. مسئله مهم این است که در این شیوه، بافت‌های سالم دست‌نخورده می‌مانند. این موضوع که سلول دقیقاً چرا به این صورت عمل می‌کند، در حال بررسی است. شیوه‌ای درمانی سرطان با سلول تی، هم‌اکنون هم وجود دارد و توسعه ایمنی درمانی در معالجه سرطان یکی از جالب‌ترین پیشرفت‌ها در این حوزه بوده است. ولی این روش درمان بسیار خاص و فقط برای معدودی از سرطان‌ها کارساز است. همچنین موفقیت چندان‌ی در زمینه سرطان‌هایی که همراه با تومور هستند، در مقایسه با سرطان خون، نداشته است. پژوهشگران می‌گویند یافته اخیر آنها می‌تواند برای معالجه همه سرطان‌ها به کار رود. در این شیوه ابتدا باید نمونه خون بیمار گرفته شود. سپس سلول‌های تی از آن مشتق و تغییرات ژنتیکی در آنها اعمال می‌شود تا بتوانند گیرنده‌های یابنده سرطان را بسازند. سلول‌های ارتقایافته می‌توانند در مقادیر زیاد در آزمایشگاه تکثیر و دوباره به بیمار تزریق شوند.

شرق روزنامه

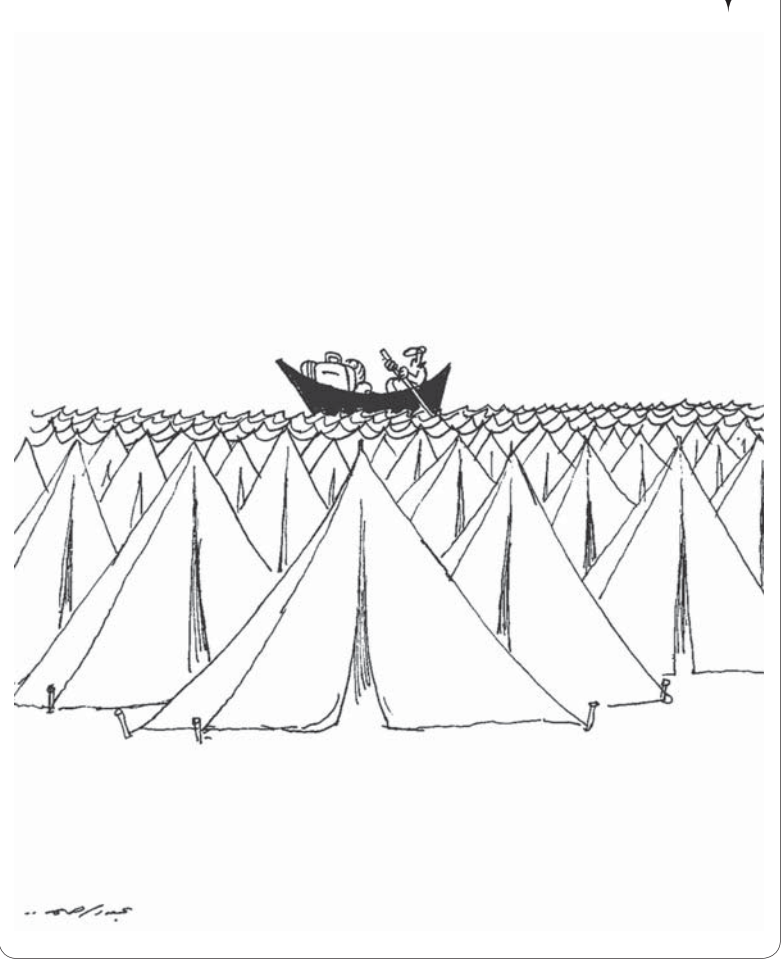
www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۸ = ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ = ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۳۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۷:۴۱ • اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

عبدالرحیم یاسر



من دانم به نگاه تو چه رازِ یست نهان...

راز-مهربانی



۴۰۶۲۵

موسسه خیریه نیکوکاران راز

غیر دولتی، غیر انتفاعی، غیر سیاسی و دوطرفه‌ای

CSR EUROPE

26000

SOCIAL RESPONSIBILITY

Charity After Work

نیکوکارم پس از کار

razcharity

riseco_holding

www.razcharity.com

روایت

هجوم از خودغریبگی

حسن عشایری* – شیوا دولت‌آبادی**

مردی که تلفنی با همسر ارتباط برقرار می‌کند، سووت‌فاهم ایجاد می‌کند، اگرچه در نهایت رفع اتهام می‌شود. مرد که اغلب بیرون از منزل است، درباره رویداد تلفن‌ها، بی‌تفاوت نیست و دلبستگی خود را به همسرش با واکنش عصبی نشان می‌دهد. همسر نیز از این جریان ارضا می‌شود که در جایگاه خود مطرح است. در شرایط زندگی در محیط بیگانه، اندیشه‌ها و خیال‌ها، واقعیت‌گریزند و به توهم نزدیک می‌شوند؛ (حضور بیگانه‌ای در صحنه زندگی که چشم‌ناظر است و حتی سیگار را روشن می‌کند). تماشای این تئاتر، برای ما تجربه جالبی در تأثیر مداخله‌گرها در ذهنیت خانواده در شرایط تعلقی‌نداشتن به محل زندگی و جو بی‌فردایی بود. شخصی که چهارشش مشخص نیست، با جعبه مرموزی حضور پیدا می‌کند که کنترل مرموز را تداعی می‌کند؛ قابل اطمینان‌نیودن، پناهنده‌بودن و غریبگی. «بیگانه در خانه»

فرصت مغتنمی است تا به ازخودغریبگی و سختی مهاجرت، غریبت و تأثیر آن بر روابط میان انسان‌ها بیندیشیم و هنوز روزها بعد از تماشای آن، تحت تأثیرش باشیم.

✦ استاد عصب‌روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران

✦✦ استاد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

تحلیل

وام بلاعوض به جای وام ازدواج

پیشنهاد من این است که در کنار آن وام ازدواج، یک وام بلاعوض را برای پیشبرد هدف ازدواج در نظر بگیرند و مجلس هم به دنبال منابع مالی‌اش باشد و دولت هم با دست‌ودلبازی این کار را بکند. در این شرایط حقوق جوانان کفایت این را نمی‌کند که هم قسط بدهند و هم بخواهند مخارج زندگی را تأمین کنند. اگر زوجی سه میلیون تومان درآمدشان باشد، در چه مدت می‌توانند این اقساط وام ازدواج را پرداخت کنند که به آنها فشاری وارد نشود؟ به‌رحال می‌دانیم که پرداخت این اقساط هم برای اکثر جوان‌ها چندان آسان نیست و دولت باید به همه این موارد فکر کند که در نهایت جوانان احساس رضایت‌خاطر کنند از اینکه در شرایط مناسب می‌توانند ازدواج کنند.

در این شرایط به هر زوج ۵۰ میلیون تومان و در کل صد میلیون تومان داده می‌شود و باید شرایط بازپرداخت اقساط متناسب با حقوق این جوان‌ها باشد و پرداخت اقساط باید در مدت‌زمان طولانی‌تری باشد و نرخ بهره هم بسیار کم باشد که بشود جوان‌ها را ترغیب و تشویق به ازدواج کرد.

در این روزها اگر با ۵۰ میلیون تومان پول پیش و دو میلیون تومان می‌شود خانه‌ای را اجاره کرد، چه بهتر که این پول پیش از سبوی دولت به جوان‌ها هدیه داده شود که به نظرم باز هم خیلی خوش‌بینانه است که با این رقم‌ها بشود خانه‌ای را اجاره کرد، اما به هر تقدیر باید واقعیت‌های یک زندگی مشترک برای جوانان در این وام‌ها و هدایای احتمالی در نظر گرفته شود.

به‌رحال همه می‌دانند که شرایط اقتصادی بسیار دشوار است و جوانان نیازمند حمایت و کمک هستند و باید تسهیلات ویژه‌ای برای آنها در نظر گرفته شده باشد که در نهایت بشود امکان شکل‌گرفتن یک زندگی مشترک را ایجاد کرد.



امیر احمیم جمیلی اقتصاددانان

اینکه در مجلس به‌جای مصوبه هیئت دولت، وام ازدواج از ۳۰ میلیون تومان یکباره ۵۰ میلیون تومان‌ شده و این افزایش وام‌اگر با تورم روز هم‌خوانی داشته باشد می‌تواند حرکت مثبتی در نظر گرفته شود که مجلس فراروی دولت نسبت به آن اقدام کرده است، اما به نظر می‌رسد که با این رقم‌ها هنوز نمی‌توان جوان‌ها را تشویق کرد که به سمت ازدواج بروند. باید دید در شرایط کنونی، برگرداندن این وام در چه مدت برای جوانان مقدور است و با چه نرخ بهره و شرایطی باید این برگشت اقساط صورت بگیرد که باز هم در حد توان جوانان باشد. باید دید آن کسانی که در شرایط کنونی می‌خواهند ازدواج کنند، می‌توانند اقساط را برگردانند و باید کارشناسی وام ازدواج طوری باشد که همه اینها تشویق به ازدواج شوند و این وام و پرداخت قسط‌هایش به تنهایی کافی نیست، بلکه به عقیده من، قسمتی از این وام از سبوی دولت به صورت بلاعوض به زوج‌های جوان داده شود. این روزها حداقل یک منزل برای سکونت زوج‌های جوان برای شروع زندگی لازم است و اگر پول پیش – هزینه رهن– این خانه به صورت بلاعوض به جوانان هدیه شود خود یک تشویق است که زودتر برای ازدواج اقدام کنند. در این شرایط می‌دانیم که گرفتن خانه برای زوج‌های جوان بی‌نهایت مشکل است و تعداد زیادی از جوانان هم عقدکرده‌اند، اما به دلیل نداشتن امکان تهیه مسکن مناسب که درواقع نیازمند کمک هستند، بلا تکلیف می‌مانند.

عذرخواهی

عذرخواهی در تاجیکستان-۱

بخشش

مجید موثقی

● در صف انتظار گذرنامه هستم و در حال غرزدن به روسی و گاه فارسی سر مسافری که وسایل من را در هواپیما جابه‌جا کرده بود و حالا بعد از کلی حرص‌وجوش خوردن وسایل پیدا شده. به او می‌گویم: «عزیزم شما وقتی این پاکت رو از بالای سر من برداشتی نباید می‌رسیدی مال کیه؟». با لهجه تاجیکی چند بار گفت: «بخشش» سکوئی ردویدل شد و دوباره گفت «بخشش! پاکت شما هم‌رنگ پاکت من بود، اشتباه شد». با خودم زیر لب گفتم: «مگه خودت بارها از این اشتباه‌ها نکردی؟ حالا از جون این آدم چی می‌خوای! وسایلت و سوغاتی‌هایی که خریدی پیدا شد و دیگه شاکي نباش!». نگاهی به این مسافر انداختم که ۴۰سالگی را همچون من طی کرده بود. چشمانی معصوم و دستانی پررنج داشت. صف مسافران کمی جابه‌جا شد. من بی‌خیال جروبخت با او شدم و شادمان برای پیداشدن سوغاتی‌هایی بودم که برای دوست قدیمی‌ام «عزیز» با خود آورده بودم. نوبت صف به من رسید و پاسپورتم را به پلیس فرودگاه نشان دادم. گفتم برای عروسی دوستم دعوت شدم. مهر ورود بر پاسپورتم خورد و خوشحال بودم که تأخیر این پرواز را از تهران به عزیز خبر داده بودم. اصلاً دوست ندارم کسی را منتظر خود نگه دارم، چون برای خودم عذاب‌آور است که به خاطر کسی ساعت‌ها صبر کنم! منتظر صف بار نشدم و مستقیم از سالن فرودگاه خارج شدم. چند سالی هست که به‌ندرت چمدانی برای سفرهایم برمی‌دارم و فقط با کوله‌ای کوچک دل به جاده‌ها می‌سپرم! به همین دلیل وقتم برای دادن و گرفتن بار هدر نمی‌روم! البته کم‌رمدرد و زانودردی که چند سالی گریبان‌گیرم شده، بهانه خوبی برای این سبک‌باری یا سبک‌بالی است. از فرودگاه بیرون می‌آیم و عزیز را در گوشه‌ای از سالن می‌بینم که ایستاده است! مثل همیشه نگاه‌های سریع و ریزی به اطراف خود می‌کند و بعد به چشمان کسی که در برابرش ایستاده است، نگاه می‌کند؛ نزدیک به هفت سال از آخرین دیدارمان در مسکو می‌گذشت! او بعد از سفرها و عزلت‌نشینی در مسکو، نیال و هند، تصمیم می‌گیرد از مسکو به زادگاه خود دوشنبه کوچ کند. مدتی پیش با دختری به نام فرزانه از پامیر تاجیکستان آشنا شد و با محبت، هنر همیشگی‌اش، دل این دختر را تا پای ازدواج کشاند. به غیر از من، گیوم از فرانسه و یک همدانشگاهی دیگر به نام فرانس از آلمان نیز برای عروسی به تاجیکستان دعوت شده‌اند. ما نفر، دوستان صمیمی او در مسکو بودیم و از قرار معلوم من اولین میهمانی هستم که یک هفته قبل از عروسی او به دوشنبه آمده‌ام! با درآغوش گرفتن عزیز به ۱۵ سال قبل می‌روم؛ زمانی که به عشق ادبیات، هنر و سینمای روسیه به زادگاه خجوف، داستایفسکی، پوشکین، میرهولد، گوگول، استانیسلاوسکی، مایاکوفسکی، آخمتووا، کوزتسفس، تارکوفسکی و هنرمندان بزرگ دیگری رفتم. شش سال زندگی در مسکو بدون عزیز که تنها هم‌زبان من در «دانشگاه سینمایی مسکو» بود، امکان‌پذیر نبود. ما با هم در صحنه تئاتر و سینما بازی کردیم، فیلم کوتاه ساختیم، قهقهه سر دادیم و چه «قهر و آشتی‌ها» که نکردیم. اصلاً تعجب‌آور نیست که این بار هم بعد از این همه سال دوری، جروبخت نکنیم که همین‌طور هم شد و فردای روزی که به دوشنبه رسیدم، از صبح تا شب در خانه عزیز-بی‌اینترنت تنها نشستیم و بعد متوجه شدم او دنبال کارهای عروسی‌اش رفته است! وقتی که برگشت، به او گفتم: «عزیز‌جان همه روز را در خانه آن‌هم بدون اینترنت و تلفن تنها بودم، اگر می‌خواستی این‌قدر دیر کنی، می‌گفتی خودم به جایی می‌رفتم یا برنامه‌ای تدارک می‌دیدم». دوباره همان جواب همیشگی که در تاجیکستان مرسوم است؛ «مجیدجان بخشش!».

پیشخوان

روشنایی‌های سینما



مجله فیلم با انتشار شماره تازه، قدم به سی‌وهشتمین سال انتشار گذاشت. دست‌اندرکاران این نشریه در متنی نوشته‌اند: «در همه این سال‌ها تلاش کردیم با صداقت، از این محبوبیت و اعتبار سوءاستفاده نکنیم و مجله را نردبانی برای ورود به مناسبات جنبی، سیاسی یا اجتماعی نکنیم. به اعتبار مجله و محبوبیت آن وارد هیچ حزب، گروه، باند و دسته‌ای نشویم. به اعتبار محبوبیت مجله، یا به محافل غیررسمی نگذاریم، وام‌های کم‌بهره یا کاغذ راتنی نگیریم. به اعتبار محبوبیت مجله، حتی در شرایط دردناک اقتصادی صورت‌مان را با سلیی سرخ نگه داریم و مرکز وارد مناسبات تجاری سینما، مثل دایرکردن دفتر بخش فیلم یا روابط‌عمومی فلان فیلم یا تهیه‌کنندگی نشویم. ما به این اصول طی سی‌وهشت سال گذشته پایبند مانده‌ایم چراکه بزرگ‌ترین حامی و پشتوانه ما خوانندگان صمیمی‌مان بوده‌اند نه مدعیان دروغینی که چشم دیدن موفقیت‌های هیچ‌کس را در جامعه ایران ندارند. در این فضای عمکین پر از غبار و خبرهای بد، اتفاق خوب برای ما انتشار همین شماره تازه است. آرزو می‌کنیم خوانندگان ما به توجوق و خواندن مطالب آن تا حدی از افسردگی‌هایی که با اتفاقات اخیر به دل‌هایشان سایه انداخته است، فاصله بگیرند. این شماره را به عنوان آغازی بر سی‌وهشتمین سال فعالیت این واحد مستقل مطبوعاتی ورق بزنید، در این شماره پرونده ویژه به روشنائی‌های سینما اختصاص دارد که به افراد دو نسل و فیلم‌های دو نسل سینما اختصاص دارد. همچنین به بهانه درگذشت شهبازراحی، اولین کارگردان زن سینمای ایران واز بازیگران شناخته‌شده درباره تصویر مادر در سینمای ایران، مطالبی در آن به چشم می‌خورد.

چشم‌انداز ایران



آخرین شماره دوماهنامه چشم‌انداز ایران با تیتَر «قانون اساسی در محاق» برای ماه‌های دی و بهمن منتشر شده است. از مقالات آن یادآوری‌هایی درباره قانون اساسی است؛ «راهبردهای پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گفت‌وگو با محمدعلی دادخواه»، «دورزدن‌های قانون اساسی در جمهوری اسلامی، گفت‌وگو با سیدحسن امین» و «نقش «انتخاب» و «گزینش» به عنوان دو هم‌زاد در شکل‌گیری مجلس در ایران» حمیدرضا عریضی و علی اعرابی از مطالب این پرونده ویژه است. همچنین حبیب‌الله پیمان سعی کرده در مقاله بگوید چاره خلا گفتمانی را راهبردی کنونی چیست؟ و نکات جدیدی را بیان کند. یکی از اتفاقات مهم این چند ماه گذشته گرانی بنزین و حوادثی است که در پی آن رخ داد. دراین‌باره در بخش اقتصادی مقالات و تحلیل‌هایی ارائه شده ازجمله قیمت بنزین و تغییرات آن، یارانه‌های پنهان ملت به دولت، نقش بنزین در بودجه سال ۱۳۹۹، ریشه‌یابی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اعتراضات آبان‌ماه میزگردی با حضور رضا مظهری، محمدحسین رفیعی و لطف‌الله میثمی ازجمله مطالب تحلیل این بخش است. شهروندان رانده‌شده به حاشیه، نقد شهر با مرگ و لیخنه، مردی که می‌خندد؛ نمادی از احمق‌نشان‌دادن مبارزه با سرمایه‌داری و همچنین مقاله «پرسش روزگار ما چیست» از دکتر محسن گودرزی ازجمله مقالاتی است که در بخش چشم‌انداز جامعه و درباره فیلم جوکر در کنار هم قرار گرفته‌اند. در ستایش انقلاب- بخش سوم، پنجره‌های رو به امید، رویکرد اجتماعی به تاریخ غرب نیز از مطالب دیگر شماره ۱۱۹ دوماهنامه چشم‌انداز ایران است که با مدیرمسئولی لطف‌الله میثمی منتشر شده است.